

نقش راهبردی گفتگو در تقریب اسلامی

نقش راهبردی گفتگو در تقریب اسلامی

دکتر لاله افتخاری

نماینده مجلس شورای اسلامی ایران

(ب) ماهیت گفتگو:

چنانکه در مفهوم گفت و گو اشاره شد، چیستی گفت گو مبتنی بر سه امر میباشد:

اول: هویت ارتباطی گفت و گو

دوم: ابزار گفت گو

سوم: اجتماعی بودن گفت و گو

1- هویت ارتباطی گفت و گو:

نخستین امری که با کاوش در ماهیت گفت و گو حاصل میگردد، جوهره ارتباطی در این مقوله است. گفت و گو در اساس نوعی از ارتباط بین انسان ها به شمار میآید. اگر عوامل ارتباط گیری انسان ها را از عواملی چون ایماء و اشاره، نقش و تصاویر، اصوات و زبان و گفتگو و سایر ابزارهای دیگر را مورد تأمل قرار دهیم، درمی یابیم که اساسی ترین نحوه ارتباط بین جمع بشری از گفت و گو سرچشمه میگیرد. به این جهت از نظرگاه علمی امروزه گفت و گو نخستین نقش و چهره اش "ایجاد ارتباط" بین انسان هاست. به همین دلیل بسیاری نقش گفت گو در انتقال مقاصد را نقش اولین آن نمی دانند. همچنانکه جمعی از نظریه پردازان حوزه های روانشناسی و علوم ارتباطات به آن اذعان نموده اند:

«زبان در اصل در میان مردمان ابتدایی و نامتمدن هرگز به عنوان آینه اندیشه بکار برده نمی شد.»

«زبان در کارکردهای ابتدایی اش به عنوان پیوند بین فعالیت هماهنگ و بخشی از رفتار انسان عمل میکند. زبان در این کار یک شیوه عمل است، نه ابزاری برای تأمل» [4].

همچنین مان در اصول روانشناسی نیز به این مهم اشاره مینماید که :

«بیشتر موارد عمل متقابل آدمی، شامل زبان میشود که میتوان آن را در ساده ترین تعریف خود "ارتباط" با حرکات و اشارات در سخن گفتن یا با کلمات موقع سخن گفتن یا نوشتن دانست» [5].

از دیدگاه این متفکران : « هر مکالمه جمعی ردیای روش ها و معانی متمایز رفتار ارتباطی را در بر دارد.» [6].

به همین جهت گفت و گو از اصول جمعی زندگی بشری بوده و مهمترین رفتار ارتباطی انسان ها میباشد.

«گفتار به علت عمومیتش، در بین انواع ارتباط ها، تقریباً جوهر زندگی ما موجودات اجتماعی به شمار میرود» [7].

در نتیجه هنگامی که از چیستی گفت و گو سخنی به میان میآید، نخست "هویت ارتباطی" آن مطرح میشود و بعنوان " رفتاری ارتباطی" بیان میگردد، لذا گفت و گو از این منظر دارای ماهیتی ارتباطی میباشد.

2- ابزار گفت و گو:

گفت و گو پس از آنکه ذاتی ارتباطی دارد، ابزار ارتباط نیز میباشد. گفت و گو مبتنی بر زبان میباشد. زبان از آغاز پیدایش و در مسیر تکوینی خود عامل و ابزار گفت و گو میان انسان ها بوده و ارتباط گفتاری را پدید آورده است.

ارتباط گفتاری در طول تاریخ بشر، عامل مؤثری برای شناساندن مردم به یکدیگر بوده و رفتاری دو طرفه بین انسانها ایجاد نموده است. در بستر این ارتباط تولید مفاهیم، انتقال و دریافت، تنظیم اطلاعات، پاسخ به اندیشه ها و عقاید و گستره وسیعی از این امور اتفاق میافتد که با بهره گیری از مهارت استفاده از زبان در زندگی انسانها ظاهر شده و نقش خود را نشان میدهد. به همین دلیل ارتباط گفتاری از اساس ترین مقوله های زندگی انسان به شمار میآید و به گفته جویس هرتزلو « این ارتباط یک جریان اصولی اجتماعی است که تمامی جریانات جامعه به عنوان یک نسل اجتماعی بدان منتهی است.» [8]

«تردیدی نیست که اینجا ما با نوع جدیدی از کاربرد زبان روبه روییم. دوست دارم آن را "ارتباط عاطفی" بنامم. این کاربرد نوعی از گفتار است که در آن پیوندهای اتحاد تنها با مبادله کلمات ایجاد میشوند.» [9]

از این رو، گفتار ارزشمندترین ابزاری است که در اختیار انسان و جامعه اوست و متداول ترین عملکرد او را در عرصه اجتماعی بوجود میآورد.

از سوی دیگر گفتار شامل عوامل و عناصری مختلفی است که در قرابت ارتباطی فرد با دیگران به کار

گرفته میشود. در قرابت ارتباطی را بطهای متقابل با دیگران شکل میگیرد که مقدمه، نتیجه و علت تأثیر متقابل یا به عبارتی مراوده میباشد و در مسیر هدایت شده آن تبدیل به ارتباط عاطفی و پس از آن شکل گیری اعتماد و ایجاد حسن ظن و نگاه مثبت و همراه با پذیرش متین افراد طرف گفت و گو میشود.

بدیهی است این امر در صورتی محقق میگردد که گفتار در مسیر صحیح شکل گیرد و در غیر این صورت نتیجه عکس بوده و منجر به تضاد، دوری و حتی برخورد میان افراد و جوامع خواهد شد. شاید به همین جهت است که در روانشناسی گفتمانی توجه ویژهای به کنترل و مدیریت معانی در گفتارها و گفتمان ها میشود. در گذشته روان شناسی جریان گفتمان را بیان افکار، مقاصد و ساختارهای شناختی میدانست ولی اینک روان شناسی گفتمانی در این دگرگونی و تحولی تکاملی را پدید آورده که در آن «آغاز کار با خود گفتمان و ملاحظه این که چگونه همه آن مفاهیم احتمالاً مقدم و مستقل ذهن، قصد، انگیزه و غیره متناسب سازی، مقوله بندی و به شیوه های غیرمستقیم تر در درون خود گفتمان، کنترل و مدیریت میشوند.» [10]

بنابراین زبان و گفتار بعنوان ابزار گفت و گو دارای شاخصه های زیر است:

(الف) ابزاری ارتباطی بین انسانها است.

(ب) برای انتقال معانی، مقاصد و اندیشه هاست.

(ج) دارای ساختار و نظام خاصی است که در گفتمان هدایت و مدیریت میشود.

3- اجتماعی بودن گفت و گو:

گفت و گو با تکیه بر هویت ارتباطی خود عامل مبادله اجتماعی میباشد. این خصیصه گفت و گو ریشه در طرفینی بودن آن دارد. از این منظر گفت و گو از یک سو عامل پیوند، جمع گرایی و اتصال انسان ها به یکدیگر بوده و از سوی دیگر وسیله انتقال اندیشه های میباشد. از این رو میتوان گفت و گو را بعنوان یکی از راهبردهای اساسی ایجاد مناسبات انسانی و تبادل نظر بشر دانست. علت آن هم قرابت گفت و گو با تمایلات فطری انسان به جمع گرایی و جمعی بودن است. چنانکه مالینوسکی بدان اشاره میکند: «به نظر من، ما در بحث درباره کارکرد گفتار در معاشرت های اجتماعی به یکی از جنبه های بنیادین طبیعت انسان در جامعه میرسیم در همه انسانها تمایل آشکار به معاشرت، به باهم بودن، به لذت بردن از همراهی با هم، وجود دارد. حال گفتار رابطه تنگاتنگی با این تمایل دارد.» [11]

وی همچنین میگوید: «رو هر سخنی عملی است با هدف مستقیم نزدیک کردن شنونده به گوینده از طریق احساس اجتماعی با دیگران بودن.» [12]

بدیهی است به همین علت این مناسبات عامل مؤثر در همگرایی اجتماعی و تقریب بین انسان ها میباشد. در متون دینی نیز از گفت و گو بعنوان یکی از محورهای تفاهم و تقریب بین انسان ها یاد میشود و از عوامل تقویت جمع گرایی و رشد تکامل اجتماعی او محسوب میشود.

ج) نقش ارتباطی و راهبردی گفت وگو:

"گفتگو" از مباحثی است که در علوم مختلف مورد بحث قرار دارد. شاید میتوان گفت این موضوع از مباحث میان رشتهای بوده و به همین جهت از دیدگاه علوم مختلف اجتماعی چون ارتباطات، جامعه شناسی، روان شناسی، زبان شناسی و همچنین حوزه های دینی مورد توجه قرار گرفته است. وجه تشابه و مشترک گفت وگو در این علوم همان ماهیت ارتباطی گفت وگو است که از زاویه دید و نگاههای مختلف بررسی شده است. چنانکه در نظریات ارتباطات، گفت وگو را نظامی برای رفتار ارتباطی میدانند. در حقیقت یکی از اساسی ترین کارکردهای گفت وگو ایجاد ارتباط با دیگران و ایجاد یک دنیای اجتماعی مشترک است. دنیایی که در آن گفتارها قابل پذیرش بوده و از مقبولیت لازم برخوردار باشند. لازمه مقبولیت نیز آن است که رشتهای از مباحث منطقی و ارایه استدلال های کاربردی را در بر گیرند. زیرا گفتار مؤثر آن است که در متن آن فهم مشترک پدید آید و گرایش به سوی توافقی که به شکل عقلانی درباره آنچه مبادله میشود، بوجود آمده باشد.

نکته مهم آنکه توافق را نمی توان بریکدیگر تحمیل نمود و گروهی آن را بر گروه دیگر بصورت ابزاری یا راهبردی یا از راه تأثیر غیرمستقیم دیکته نمایند؛ حتی در صورت تحمیل، تأثیر گفت وگو از بین میرود. تنها در صورتی نقش ارتباطی و راهبردی گفت وگو مؤثر است که گفت وگو کنندگان به شیوه های تعاملی حرکت کرده و شرایطی مبتنی بر همکاری و همراه با ارتباط روشن و معینی را فراهم آورند. در این مسیرتوجه به نکات زیر حائز اهمیت است.

1- همکاری و افق مشترک: گفت وگو باید با شیوه های مبتنی بر همکاری باشد و برنامه ریزی و انجام آن براساس تفسیرهای مشترک و افق مشترک شکل گیرد.

2- فهم مشترک: طرف های گفت وگو باید براساس موقعیت ها و همکاری همدیگر، فرآیندهایی برای رسیدن به فهم مشترک تلاش جدی و مشتاقانه داشته باشند.

3- ایجاد تعهد و الزام برای یکدیگر: طرف های گفت وگو باید از آثار و تعهد برانگیز و پیشنهادهای الزام آور برای یکدیگر استفاده نموده و شرایط تحقق معتبر برای آن ایجاد کنند.

در اینجا گفتارها نقشی ارتباطی یافته و موجب انگیزش مناسبی در گروههای گفت وگو کننده میشود که در آن زمینه دستیابی به فهم منطقی و فرآیند زبانی رسیدن به فهم هماهنگ و عمل هماهنگ شکل میگیرد. بنابراین نتیجه کار ایجاد ارتباط واقعی خواهد بود که در آن توافق گروههای مشارکت کننده در تعامل به توافق میرسند.

د- گفت وگویی مؤثر:

گفت وگو در نقش ارتباطی خود زمانی تأثیرگذار است که دارای ویژگی های ارتباطی مؤثر زیر باشد:

1- دارای پیام و هدف باشد.

2- طرف هاي گفت و گو احساس رضایت داشته باشند.

3- طرف هاي گفت و گو براي ارتقاء و رشد يکديگر تلاش کنند.

همچنين در گفت و گوي ارتباطي و راهبردي اصولي حاکم است که در صورت تحقق آنها یک جريان واقعي در مسير همدلي ، افق مشترک و فهم مشترک پديد میآید که در نهایت منجر به تقريب و وحدت میگردد.

اصول گفت و گوي مؤثر عبارتند از :

1- گفت و گو را یک فرآیند بدانیم

از این منظر گفت و گو عبارت است از "گفتارها و رویدادهای به هم پیوسته ، به هم وابسته و قابل تشخیص که در مسير هدفی مشخص شکل میگیرد."

2- آنچه در مبادلات گفتماني و گفت و گو منتقل میشود نتیجه تأثیرهای متقابل است. در این جريان به غیر از محتوا شرایطی مانند فضا، حالات، ادبیات و شیوه های گفت و گو وسایر موارد هم دارای اهمیت هستند.

3- همدلي براساس شناخت مخاطب از اصول دیگر گفت و گوي ارتباطي و راهبردي است ، نتیجه همدلي ایجاد مراوده و حالت عاطفي و در نتیجه نزدیک شدن گفت و گو کنندگان به یکدیگر است. همدلي بر دو اصل و پایه استوار است:

اول: شناخت مخاطب در سه شکل عام، خاص و موردی

دوم: انعطاف در روش که اگر از روشی بهره گرفته شد و تأثیر لازم ایجاد نشد از روش و شیوه دیگری باید استفاده نمود تا احساس مشترک حاصل گردد.

هـ- گفتگو و تقريب ديني :

گفتگو فرایند و جرياني پیوند آفرين است و نقش مهم آن ایجاد ارتباط، همدلي و همگرایی در بين جامعه بشري میباشد . از سوي دیگر پایه و اساس گفتگو بر اساس ایجاد فهم مشترک و تفاهم متقابل است . بطور طبیعی سير تکويني گفت و گو با ادامه و تکرار تفاهم و درک متقابل و در گام های بعدي سبب شکل گيري مشترکات و همساني فرهنگي شده و در تداوم آن همگرایی و ایجاد فهم مشترک گردیده و پدیده تقريب و وحدت در آن شکل میگیرد .

در تقريب ديني نیز این الگوي کلي گفت و گو جريان دارد . در هر ديني پیروان فرق و مذاهب آن در فرایند گفتمان میتوانند با همکاری متقابل و ایجاد افق مشترک به سوي فهم مشترک بر اساس اصول و مشترکات ديني و مورد توافق دست یافته و در تداوم این مسير به تفاهم و ارتباط واقعي و راهبردي برسند . نتیجه این ارتباط و پیوند تکاملي ایجاد همساني و پس از آن همگرایی و در نهایت ایجاد وحدت بر پایه دين خواهد بود که این وحدت در عين کثرت و تفاوت در مذهب ، پديد میآید.

بنابراین الگوي کلي گفتگوي تقريبی به شرح نمودار زیر ترسيم میگردد:

↓

افق مشترک (همکاری متقابل)

↓

فهم مشترک (توافق)

↓

تفاهم

↓

همسانی

↓

همگرایی

↓

وحدت- گفت وگو و تقریب مذاهب اسلامی

اسلام با تکیه بر «واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا» [13] شالوده حرکت جمعی و همگرایی درون دینی را از آغاز را پدید آورده است . به همین دلیل حرکت دینی از دیدگاه اسلامی بر پایه امت سازی و پرهیز از تشتت و تفرقه بنیان نهاده شده است. تعابیری که در سراسر تعالیم و اعتقادات این دین بزرگ موج میزند و واژگانی چون «یا ایها الذین آمنوا» که به فراوانی در آیات و سنت شریف نبوی یافت میشوند، همگان در جهت سوق دادن جامعه اسلامی به سوی آرمان امت واحده و حرکت توحیدی است. با توجه به این رویکرد کلی، اسلام نگاهی عمیق به شیوه های وصول به هدف امت واحده دارد و گفت و گوی ارتباطی، از راهبردهای مهم اسلام در این مسیر میباشد. از دیدگاه اسلام گفت وگو بین انسانها و جوامع مختلف ، ادیان و گفت و گو های درون دینی از اهمیت فراوانی برخوردار است و یکی از ابزارهای کاربردی وحدت در جامعه دینی میباشد . از نکات بارز ویژگی های تحسین برانگیز گفت وگو در اسلام ، نگاه عالمانه و منطقی اسلام به این مقوله است. قرآن به این مبحث مبحث گفتگو را در قالب قول ، جدل و حوار 559 بار [14] مطرح کرده است . اهتمام قرآن به این مبحث نشانگر نقش راهبردی گفتگو و تاثیر آن در تکامل اجتماعی انسان میباشد . آیاتی که گفتگو را با تأکید بر نقش ارتباطی و راهبردی آن مطرح میکنند ، نمونه های بارز این جریان میباشند، چنانچه اشاره شده:

- « ادع الي سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتی هي احسن ، مردم را با حکمت و

اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنها مجادله کن... » [15]

- «وقل للعبادي يقولوا التي هي احسن ، و بگو به بندگانم که با بهترین روش با یکدیگر سخن

بگویید... » [16]

- «و لاتجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن ، با اهل کتاب مجادله نکنید مگر با نیکو کار ترین روش...» [17]

- الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه ، کسانی که به سخن گوش فرا دهند و از بهترین آن پیروی میکنند...»

در این آیات چند اصل اساسی مشاهده میشود :

1- گفت و گو یک فرایند و جریان اجتماعی تعاملی است .

2- گفت و گو بر اساس حکمت منطق و استدلال شکل میگیرد .

3- گفت و گو بر اساس "موعظه حسنه"، "عدم مجادله" و یا "استماع قول" مبتنی بر درک متقابل و ترسیم افق مشترک برای دستیابی به هدایت و تکامل بشر میباشد.

4- گفت و گو بر مبنای شیوه احسن یا بهترین مسیری شکل میگیرد که منجر به اقناع و تفاهم با مخاطبان میشود.

از این رو گفت و گو از دیدگاه اسلام در جهت تفهیم و تفاهم، اقناع و وسیله اثرگذاری و رفتارهای سازنده متقابل بوده و هدف آن دستیابی به حقیقت میباشد.

در حقیقت بهره گیری از منطق گفت و گو در اسلام فراخوانی عمومی است همگان را به رفتارهای انسانی، جمعی و منطبق بر اندیش دعوت مینماید.

ز- گفت و گو، راهبرد تقریب اسلامی:

در مباحث گذشته آشکار شد که در عرصه اندیشه و مکتب اسلام گفت و گو جریان تعاملی میباشد که در پرتو آن ارتباط راهبردی در سطح جامعه اسلامی شکل میگیرد. از این دیدگاه مبانی و اندیشه های اسلامی با تجارب علمی در مسیری واحد و زمینه های مشترک و نزدیک به یکدیگر قرار دارند. چرا که در نظرگاه مشترک علوم اجتماعی، اندیشه اسلامی، گفت و گو بر پایه میل فطری با هم بودن و تمایل بنیادین طبیعت انسانی به جمعی بودن بوده و از راهبردهای مؤثر در ایجاد مناسبات انسانی میباشد.

همچنین بر اساس الگوی کلی گفت و گو در نقش ارتباطی و تقریبی آن، می توان فرآیند گفتگوی تقریبی را برای حرکت به سوی هدف والای امت واحده اسلامی ترسیم کرد و آن را بعنوان یکی از راهبردهای اساسی تقریب بین مذاهب و فرق اسلامی تبیین نمود. در این مسیر باید گفت و گوی راهبردی را با تکیه بر الگوهای علمی تقریب ورت یک سیستم منسجم و منظم در سطح جوامع اسلامی طرح نمود و در بستر آگاهسازی و فرهنگ سازی در میان ملت های مسلمان اشاعه داد و ترویج نمود. آن چنانکه گفت و گو به عنوان یک سنت حسنه اسلامی بر مبنای فرامین و آموزه های قرآنی شکل گیرد و در مقابل از مجادلات بی حاصل و تفرقه برانگیز پرهیز گردد.

برای فرهنگ سازی و ایجاد سنت اسلامی گفت و گو دو حرکت اساسی را باید گسترش داد:

او: لاگاسازی توده ها و ملت های مسلمان از طریق مجامع حوزوی و دانشگاهی، علما و روشنفکران و نخبگان و شخصیت های مؤثر اجتماعی و فرهنگی

دوم: گسترش گفت و گو در سطح جوامع اسلامی و ملت های مسلمان

گسترش علمی و اشاعه منطق گفت و گو بین مسلمانان دو جهت مهم دارد:

1- گسترش کمی و اشاعه گفت و گو در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهان اسلام

2- ساماندهی و سازماندهی سیستمی گفت و گو در فرآیندی مشترک و با مبانی مشترک

از این منظر میتوان سامانه گفت و گوی راهبردی تقریب اسلامی را بر اساس محورهای زیر ترسیم نمود:

الف: گفت و گوی تقریبی درون مذهبی در هر کشور (سطح محلی)

ب: گفت و گوی تقریبی مذاهب در هر کشور (سطح ملی)

ج: گفت و گوی تقریب مذاهب منطقه‌ای (سطح منطقه‌ای)

د: گفت و گوی تقریب مذاهب جهان اسلام (سطح جهانی)

نقش راهبردی گفت و گو در مسیر تقویت و تحکیم جریان تقریبی مذاهب جهان اسلام میتواند در قالب های گفت و گوهای چهارگانه‌ای که اشاره شد، منجر به ایجاد مرکزیت و سامانه مدیریتی و هدایت بخش گفت و گوهای تقریبی شود و این نیاز ضروری شجره طیبه تقریب در دوره های پیش روی خود و در آینده میباشد. زیرا حرکت تقریبی معاصر جهان اسلام پس از شکل گیری در دهه پنجاه میلادی تاکنون به دستاوردهای بزرگی در عرصه های آموزشی در مجامع بزرگ دینی و دانشگاهی، ایجاد شعبه "التقریب بین المذاهب اسلامیة" از سوی مجمع فقه اسلامی درجده ها، ایجاد مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و سرانجام برگزاری کنفرانس ها و همایشهای فراوان تقریبی نائل آمده است. آنچه اینک در جریان تقریب، جامعه اسلامی بدان نیازمند میباشد "نگرش راهبردی به گفت و گو" و پس از آن "ساماندهی نشست ها و گفتمان ها" است.

نتیجه آنکه :

1- براساس آموزه های اسلامی ضروری است گفت و گو بعنوان راهبردی مهم در سطح جهان اسلام بمنظور تقریب مذاهب اسلامی پذیرفته میشود.

2- گسترش گفت و گوها براساس سلسه مراتب و حلقه های بهم پیوسته در سطح مناطق مختلف و کشورهای اسلامی سازماندهی و ساماندهی شوند.

3- مطالعات و تحقیقات تقریبی و گفتمان های تقریبی در مراکز علمی و حوزوی مناطق اسلامی برای غنا بخشیدن و توسعه گفت و گوها گسترش یابد. در این بخش توجه به اقشار مختلف اجتماعی بویژه زنان با توجه به نقش تربیتی آنان در فرهنگ سازی جامعه حائز اهمیت است.

4- شورای مشورتی یا مجمع و یا دبیرخانه‌ای مرکزی برای هدایت، مدیریت، تقویت و پشتیبانی و گفت و گوهای مذاهب اسلامی تأسیس و ایجاد گردد تا مسئولیت ساماندهی و گسترش فرهنگ گفت و گوی تقریبی را

[1] - لغت نامه دهخدا، ج(1)، ص 169283 .

[2] - فرهنگ معین، ج 3333-3334 .

[3] - نظریه های ارتباطات، ج 1، ص 578.

[4] - نظریه های ارتباطات، ج 1، ص 578.

[5] - اصول روانشناسی، ج 2، ص 280.

[6] - نظریه پردازی ارتباطات میان فرهنگی، ص 59.

[7] - ارتباط گفتاری میان مردم، ص 17 .

[8] - ر.ک. همان منبع .

[9] - نظریه های ارتباطات، ج 1 ، ص 582.

[10] - همان منبع، ج 4 ، ص 653.

[11] - همان منبع، ج 1، ص 580 .

[12] - همان منبع ، ج 1، ص 582.

[13] - قول 527 مورد ، حوار 3 مورد و جدل 29 مورد در قرآن ذکر شده اند.

[14] - نحل 125/ .

[15] - اسراء 53/ .

[16] - عنكبوت/46.

[17] - زمر / 18.

مقدمه

مقوله گفتگو پیوندی عمیق با انسان دارد. ماهیت گفتگو آن را از آغاز آفرینش همراه و همزاد آدمی قرار داده است. در واقع پدیده گفتگو در هنگام ارتباط، تبادل اندیشه و مقصود و از آن زمان که آدمی از فردیت به زوجیت رسید، نقش کلیدی خود را در پیوند انسانها در گونه های مختلف آن چون ارتباط عاطفی، معیشتی، اجتماعی، آموزشی، تربیتی و رفتاری و غیره نشان داده است. بدیهی است با رشد و تکامل اجتماعی و ایجاد قبایل و طوایف، شعب و ملت ها، جوامع مختلف، ادیان و مذاهب نقش گفتگو نیز تغییرات بنیادی یافته و در اشکال متعالی تر و پیشرفته مطرح گردیده و یکی از اساسی ترین شیوه های انتقال نظرات و دیدگاههای انسان شد. چنانکه امتداد همین مسیر و در عصر جدید مقوله گفتگو در قالب های مهمی چون گفتگوی مذاهب، گفتگوی ادیان، گفتگوی تمدن ها و امثال آن تجلی یافته و منشاء همگرایی و تقرب جوامع و انسان ها شده است. از سوی دیگر در عصر جدید بویژه هرچه به دوره تکامل عقلانی و فرهیختگی بشری نزدیک میشویم، گفتگو نقش گسترده تر و قوی تری یافته است. مسیر جهانی تنازع و رقابت منفی به مشارکت و رقابت مثبت، از جنگ سخت به جنگ نرم، از دیپلماسی کلاسیک به دیپلماسی عمومی و سایر مؤلفه های جدید در جهانی شدن، عنصر گفتگو را به عامل کلیدی و مؤثر و عنصری راهبردی تبدیل نموده است. اینک با توجه به نقش راهبردی گفتگو در دوره معاصر در این کنفرانس چگونگی تأثیرگذاری آن بعنوان راهبردی اسلامی در عرصه تقرب مذاهب میپردازیم.

الف) ریشه گفتگو:

گفت و گو واژه های دیرپا است که از نظر اهل لغت در معنای مباحثه، مجادله، گفت و شنود [1]، مکالمه، صحبت [2] آمده است. ریشه لغوی گفت و گودر واقع همان "سخن با یکدیگر" و "گفت و شنود" میباشد. در اصلاح نیز گفت و گو ریشه در معنای خود دارد و عبارت از "نوعی از ارتباط انسان ها با کلام و الفاظ" است این معنا در قالب واژگان مختلف و، مرتبط، در هر زبانی وجود دارد که علیرغم اختلاف

لفظي با اين واژه ،مشترک معنوي با آن هستند و از لحاظ محتوا داراي تشابه و يکساني کلي ميباشند. در تعريفی دقیقتر میتوان گفت "گفت و گو فرایندی است که در آن دو یا چند فرد یا گروه به مبادله اطلاعات برای دستیابی به فهم مشترک و تفاهم متقابل با یکدیگر یا تفاهم اجتماعی برای جامعه خود، می پردازند." نتیجه آنکه گفت و گو داراي چند خصیصه است:

- 1- یک فرآیند و جریان است.
- 2- در آن افراد یا گروهها مشارکت کننده وجود دارد.
- 3- در آن مبادله اطلاعات اتفاق می افتد.
- 4- داراي غایت و هدف است مثل فهم مشترک.